

Stages of Creation in Gāhān

Mina Kambin^{*}, Zohreh Zarshenas^{**}

Farzaneg Ghoshtasb^{***}

Abstract

The most important concept of religions is “creation” which can show the most important part of their followers' worldview. Gāhān is a part of Avesta which considers creation more than other parts, such a way that, it can be said creation is the main contents of Gāhān. As regards that creation has been studied from the perspective of mythology. So it seems important to display Gāhān approach to creation. Expressions such as “generating”, “creating” and “constructing” were used to express the quality of creation and each of them had special view to creation in different conditions. In order to clarify creation quality in Gāhān, in this paper, creation concept will be studied according to these three words and by comparing their application it will be deduced that there was a belief in the existence of three different stages of creation that started with “generating” then its requirements were donated and finally its components were constructed and the first generating was called as “primal existence” and it belonged only to Ormazd. Such attitude shows a mystical view of creation.

Keywords: Gāhān, creation, Ahurāmazdā, primal existence, manifestation.

* Ph.D. Candidate of Ancient Culture and Languages, Institute for Humanities and Cultural Studies (Corresponding Author), minakambin@yahoo.com.

** The Professor of Ancient Culture and Languages, Institute for Humanities and Cultural Studies, zzarshenas@gmail.com.

*** The Associate Professor of Ancient Culture and Languages, Institute for Humanities and Cultural Studies, ghoshtasbfarzaneh@gmail.com.

Date received: 2021/01/07, Date of acceptance: 2021/04/03



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مراتب آفرینش در گاهان

مینا کامبین*

زهره زرشناس**، فرزانه گشتاسب***

چکیده

آفرینش یکی از اساسی‌ترین موضوعات هر دینی به شمار می‌رود که نمایانگر بخش مهمی از جهان‌بینی پیروان آن است. گاهان بخشی از اوستاست که نسبت به سایر بخش‌ها بیشتر به چگونگی آفرینش پرداخته به طوری که می‌توان گفت آفرینش یکی از مضامین مهم گاهانی به شمار می‌رود. با توجه به این که آفرینش در دین زردشتی بیشتر از منظر اسطوره‌شناسی بررسی شده است ضروری به نظر می‌رسد که دیدگاه گاهان نیز در این مورد روشن شود. در گاهان برای بیان چگونگی آفرینش از اصطلاحاتی چون زاییدن، آفریدن و ساختن استفاده می‌شود که هر کدام در جای خود نگاه متفاوتی به آفرینش را می‌رساند. به منظور روشن ساختن چگونگی رخداد آفرینش در گاهان، در مقاله حاضر مفهوم آفرینش با توجه به سه واژه نام‌برده بررسی شده و با مقایسه کاربرد آنها نتیجه‌گیری می‌شود که در گاهان باور به وجود سه مرحله مختلف از آفرینش دیده می‌شود که با زایش آغاز و سپس ملزومات آن بخشیده و در نهایت اجزای آن ساخته می‌شده است و زایش آغازین که با اصطلاح «هستی نخستین» عنوان می‌شود فقط منحصر به اورمزد بوده است. این نگرش دیدگاهی عرفانی را به مقوله آفرینش نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: گاهان، آفرینش، اهورامزدا، هستی نخستین، تجلی.

* دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،

minakambin@yahoo.com

** استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

zzarshenas@gmail.com

*** دانشیار فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

goshtasbfarzaneh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴



۱. مقدمه

آفرینش از مقولات بنیادین همه ادیان است. هر دینی بنا بر شرایط محیط و فضایی که در آن وحی آسمانی نازل شده به شکلی ویژه به مسئله آفرینش پرداخته است. آفرینش معمولاً ساخت و پرداخت هستی دانسته می‌شود. در باورهای مزدیسنا اورمزد آفریننده یکتاست است و اسطوره‌های آفرینش به شرح چگونگی آفرینش اورمزدی پرداخته‌اند. در بخش‌های مختلف کتاب مقدس اوستا به اشکال مختلفی به موضوع آفرینش پرداخته شده که نشان از چگونگی رویکرد مزدیسنان به خلقت دارد. به ویژه در گاهان موضوع آفرینش به گونه‌ای مد نظر بوده که می‌توان آفرینش را یکی از مفاهیم اصلی متون گاهانی دانست. در گاهان برای بیان مقصود آفرینش به سه ریشه مختلف بر می‌خوریم: ریشه *dā-* به معنی «قرار دادن» و «بخشیدن»، ریشه *taš-* به معنی «ساختن» و ریشه *zā-* به معنی «زاییدن» که به مورد آخر کمتر توجه شده است.^۱ افزون بر آن در گاهان به اصطلاح «هستی نخستین = *aṅhu pouruua*» بر می‌خوریم که مفهوم آن به لحاظ معنایی با «آفرینش» و «زایش» پیوند مستقیم دارد بدین ترتیب که برای درک آفرینش در گاهان دانستن مفهوم آن ضروری است. و نیز به آفرینش از طریق سخن گفتن^۲ اشاره شده است. با توجه به آنچه گذشت فرضیه‌ای که مطرح می‌شود این است که مفاهیم متفاوتی از آفرینش در گاهان مد نظر بوده است، که هر کدام سطوح و مراتب مختلفی را مطرح می‌کنند، و اگر چنین باشد آیا می‌توان تکامل آفرینش را در گاهان به چند مرحله تقسیم کرد؟ به منظور پاسخگویی می‌بایست ابیاتی که این مضامین در آنها به کار رفته استخراج و با یکدیگر قیاس شوند تا بدینوسیله بتوانیم تفاوت آنها را دریافته و مفاهیم مختلف آفرینش را از دیدگاه گاهان موشکافانه بررسی کنیم. از آنجایی که بیشتر پژوهش‌هایی که در زمینه آفرینش در دین زردشتی صورت گرفته متن‌های فارسی میانه و اسطوره‌های آفرینش را در نظر گرفته‌اند ضروری به نظر می‌رسد که با دریافت کاربردهای مختلف سه فعل «بخشیدن=*dā-*»، «ساختن = *taš-*» و «زاییدن = *zā-*» درک صحیح‌تری از دید گاهانی در مورد چگونگی وقوع آفرینش بدست آوریم و چنانچه در این امر موفق شویم یکی از مهم‌ترین مضامین دینی زردشتی آشکار خواهد شد که به درک بهتر آموزه‌های زردشت منتهی خواهد شد. مقاله حاضر تلاشی است برای بررسی تفاوت مفاهیم مربوط به آفرینش و کارکرد متفاوت هر یک از آنها به منظور روشن ساختن دیدگاه گاهان درباره آفرینش هستی. بدین منظور نخست منابع کتابخانه‌ای مربوط به موضوع مورد بحث گردآوری و شواهدی از گاهان حاوی مفاهیم و ریشه‌های مورد نظر ترجمه و مفاهیم به دست آمده تجزیه و

تحلیل می‌شود. ضمناً برای درک هر چه بهتر رموز پنهانی آنها و در صورت نیاز از مضامین عرفانی کمک گرفته می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

اغلب پژوهشگرانی که در زمینه آفرینش در دین زردشتی تحقیق کرده‌اند اسطوره‌های آفرینش را که بیشتر در متون فارسی میانه یافت می‌شوند مد نظر داشته‌اند که می‌توان از کتاب *زروان* (معمای زرتشتی‌گری) از آر. سی. زنر (۱۹۵۵ و ترجمه فارسی ۱۳۷۵) نام برد که در فصل پنجم با عنوان «کیهان‌شناسی (۲) قطعات زروانی از فصل اول بندهش بزرگ» به بررسی آفرینش براساس متن فارسی میانه بندهش پرداخته است در این فصل نخست آفرینش «زمان کرانه‌مند» و سپس پدیداری فیوضات پی در پی اورمزد و اهریمن که در پایان به سال آرمانی می‌رسد توضیح داده شده و پس از آن چگونگی ورود آفرینش را به جهان مادی از سپهر گرفته تا کیومرث و آفرینش امشاسپندان، ایزدان و دیوان را شرح می‌دهد و سه الگوی نخستین آفرینش: «نمونه نخستین خوبی مینوی»، «نمونه نخستین بدی مینوی» و «نمونه نخستین مادی» را تشخیص می‌دهد؛ او همچنین آفرینش از طریق قربانی در سروده ودایی پوروشا را با اسطوره ایرانی کیومرث سنجیده است.^۳ کتاب *نخستین انسان و نخستین شهریار در افسانه‌های ایرانی* از آرتور کریستن سن (۱۹۱۸ و ترجمه فارسی ۱۳۷۷) نیز شامل شرح کاملی از اسطوره‌های آفرینش است که به ویژه به شرح اسطوره‌های مربوط به کیومرث و مشی و مشیانه و تکوین جهان و انسان پرداخته است.^۴ عالیخانی در کتابی با عنوان *بررسی لطایف عرفانی در نصوص عتیق اوستایی نقش اورمزد را در آفرینش بررسی کرده است*. او مفاهیم مزدا و اهوره را جدا از هم در نظر گرفته و خلقت را به وجود این دو در کنار هم نسبت می‌دهد (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۷۴). ماریان موله (۱۹۶۳ و ترجمه فارسی ۱۳۹۵) نیز در فصلی با عنوان «جنبه‌هایی از کیهان‌شناسی زرتشتی» در کتاب خود با عنوان *آیین، اسطوره و کیهان‌شناسی در ایران باستان* به بررسی آفرینش از دیدگاه متون گاهانی و سایر متون باستانی پرداخته است او به آغاز زایشی هستی در گاهان اشاره و نیز آفرینش مینوی فزونی‌بخش را در گاهان بررسی می‌کند، او همچنین آفرینش را در ورشتمانسر نسک (*varštmanšar-nask*) بررسی و با گاهان می‌سنجد و خطوط عمده آموزه زمان کرانه‌مند را به گاهان نسبت می‌دهد.^۵

بویس نیز در جلد نخست کتاب خود با عنوان *A History of Zoroastrianism* (1975) به آفرینش از دیدگاه گاهان پرداخته است او به آفرینش دو مینو اشاره کرده و اورمزد را تنها خدای

ناآفریده و امشاسپندان را حاصل آفرینش اورمزد می‌داند او همچنین دیوان را زاییده و آفریده انگره مینو می‌داند او همچنین درباره آفرینش آسمان و زمین و آب و گیاه توضیح داده و آنها را جفت می‌داند.^۶ اما پژوهشگران حوزه دستور و ادبیات اوستایی معنی و مفهوم واژه آفرینش را بیش‌تر با ریشه dā- بررسی کرده‌اند مانند کلنز که در مقاله‌ای با عنوان " La Cosmogonie Mazdeenne Ancienne: Huttes Cosmiques en Iran" آفرینش در اوستا را بررسی کرده و باور دارد که در اوستا واژه‌ای برای آفریدن وجود ندارد و اورمزد را تنها به نظم درآورنده آشوب اولیه می‌داند و نه آفریننده (Killens, 1990: 6). وست در مقدمه کتاب خود با عنوان *The Hymns of Zoroaster, a New Translation of the Most Ancient Texts of Iran* (2010) به توضیحاتی درباره نقش اورمزد در آفرینش گاهانی پرداخته و اورمزد را تنها آفریننده گاهان و آفرینش او را از طریق اندیشه نیک می‌داند.^۷ آنتونیوز در مقاله‌ای با عنوان "Création et Mazdéisme. Confrontation des Conceptions Achéménide, Gâthique et Biblique" (2017) به بررسی آفرینش در گاهان پرداخته و آن را با کتیبه‌های هخامنشی قیاس کرده است و باور دارد که هخامنشیان هنر خود را مدلی از آفرینش اورمزدی می‌دانستند.^۸

شایگان (۱۳۷۵) در جلد نخست کتاب *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند* از خدای یگانه‌ای در ریگ ودا نام می‌برد که به سه عنوان مختلف «ویشوه کرمن=višvakarman»، «پوروشه=puruša» و «پرجاپاتی=prajāpati» نامیده می‌شود و سلسله مراتب آفرینش را حاوی سه اصل «فاعل»، «ماده اولیه» و «نخستین موجود آفرینش» می‌داند.^۹ همچنین شمس (۱۳۹۶) در کتاب *ادیان هند* در فصلی با عنوان «آفرینش و کیهان‌شناسی» دیدگاه وداها در آفرینش بررسی کرده و از خدایانی چون «ورونه=varuṇa»، «ایندره=indra»، «پرجاپتی»، «ویشوه کرمن» و «پوروشه» و نیز دیدگاه عرفانی به آفرینش که به صورت «تجلی» در سرود آفرینش مطرح می‌شود را توضیح داده است.^{۱۰}

۳. آفرینش و آفرینندگی در گاهان

احتمالاً دلیلی وجود دارد که مفهوم نخستین (paouruuiia-) در نظم سستی گاهان در یسن ۲۸، یسن آغازین، گاهان آمده است؛ اما کاملاً مشخص نیست که آیا این یسن در ابتدای گاهان توسط زردشت قرار گرفته یا در ویرایش به آغاز گاهان منتقل شده است (Humbach, 1991, II, 16) در هر صورت اشاره به هستی نخستین در یسن آغازین گاهان قابل تأمل است. در گاهان از آفرینش اورمزد با عنوان «هستی نخستین» یاد می‌شود.

نخستین بار در یسن ۲۸ بند ۱۱ اشاره به هستی نخستین می‌شود:

mainiiōuš hacā ǝβā ǝǎñhā
yāis ā anḥuš pouruiiō bauuaṭ (Y. 28/ 11. C)

برای سخن دربارهٔ مینو از طریق دهانت

با این [سخنانی] که برای هستی نخستین به وجود آمد (Humbach, 1991, I: 119).^{۱۱}

در این قطعه پیامبر از طریق دهان اورمزد سخن می‌گوید، شاید اشاره به این که تنها اوست که از هستی نخستین (آفرینش) آگاه است. از سویی این بند به آفرینش با «سخن» یا «کلام» اشاره می‌کند. از آنجایی که کلمات گاهانی را با «لوگوس» یا «کلام» الهی یکی می‌دانند و وجود آن را سابق بر وجود عالم و مایهٔ پیدایی آن (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۸۱) و با توجه به این حقیقت که تولید صوت و کلام از طریق حرکت امکان‌پذیر می‌شود می‌توان تولید صوت و ساخت واژگان اولیه را به منزلهٔ نخستین حرکت آفریننده دانست که زایش «هستی نخستین» و فرآیند ظهور را سبب می‌شود.^{۱۲} عرفا نیز حرکت را لازمهٔ تجلی شهودی و ایجاد سیر نزولی برای ظهور ممکنات می‌دانند.^{۱۳} بدین معنی که در فرآیند آفرینش عرفا باور به دو قوس صعودی و نزولی دارند که در قوس نزولی حرکت از وحدت به کثرت رخ داده و لازمهٔ این قوس قهر و ظهور صفات جلالی حق است که حرکت به سمت کثرت را موجب می‌شود تا به نهایت کثرت و اوج قوس نزول برسد و پس از آن قوس صعودی و بازگشت به وحدت است که لازمهٔ آن صفات مهری و جمالی حق است و حرکت از کثرت به وحدت را باعث می‌شود و این هر دو بر اثر حرکت ممکن است.

در یسن ۳۱ بند ۸ از مزدا به عنوان «نخستین» و «جوان‌ترین» و «پدر اندیشه نیک» یاد شده است:

aṭ θβā mǎñhī paouruuīm # mazdā yazūm stōi manañhā
vañhōuš ptaṛēm manañhō # hiiṭ ǝβā hēm cašmainī grabəm (Y. 31/ 8/ a,b)

اکنون ای مزدا تورا نخستین اندیشیده‌ام و جوان از راه اندیشه [ات]،

آنگاه که ای مزدا از برای ما آغاز (Humbach, 1991, I: 128)

در یسن ۴۳ بند ۵ خطاب به اورمزد او را نخستین در زایش هستی می‌داند:

yaṭ θβā anəuš # zaθōi darəsəm paouruuīm (Y. 43/ 5/ b)

آن‌گاه که تو را نخستین در زایش هستی می‌بینم (Ibid: 152). که اشاره به ازلی بودن اورمزد است.

در یسن ۴۴ بند ۲ و ۳ با پرسشی به بنیاد بهترین هستی اشاره می‌شود:

kaθā aṅhōuš # vahištahiiā paouruuīm (Y. 44/ 2/ b)

چگونه است بنیاد بهترین هستی (Ibid: 157)؟

ptā ašahiiā pouruiiō (Y. 44/ 3/ b)

چه کسی از طریق زایش نخستین پدر اشته است (Humbach, 1991, I: 157)؟

در یسن ۴۵ بند ۳ از نخستین رمز هستی می‌گوید:

aṭ frauaxšiiā # aṅhōuš ahiiā paouruuīm (Y. 45/ 3/ a)

اینک سخن خواهم گفت درباره این نخستین (رمز) هستی (Ibid: 164). اگر چه اینجا هومباخ واژه نخستین را مرتبط به رمز هستی می‌داند اما می‌توان آن را اشاره به بنیاد هستی نیز دانست.

در یسن ۴۶ بند ۶ اهوره گمارنده نخستین دناهاست:

hiiat daēnā # paouruiiā dā ahurā (Y. 46/ 6/ e)

از زمانی که تو دناهای آغازین را گمادی ای اهوره (Ibid: 169)!

در یسن ۴۶ بند ۱۵ به قوانین نخستین که توسط اهوره بنا شده اشاره می‌شود:

yāiš dātāiš # paouruiiāiš ahurahiā (Y. 46/ 15/ d)

با آن [کارهایی] که با قوانین نخستین اهوره مطابق است (Ibid: 172).

aṭ axiiāi ašā # mazdā uruuarā vaxšaṭ

ahurō aṅhōuš # zaθōi paouruiiehiiā (Y. 48/ 6/ d, e)

مزدا گیاهان را برای او از طریق راستی برویاند

اهوره در زایش هستی نخستین (Ibid: 177).

در گاهان درباره آفریننده‌ای سخن گفته شده که پیش از هر آفرینش دیگری حضور داشته و هستی او نخستین هستی قابل تصور برای شنوندگان است، می‌توانیم این هستی نخستین را اشاره‌ای به آفریننده‌ای ازلی بدانیم. او ازلی است و آفریننده هستی ازلی. اورمزد نخستین صاحب اندیشه، زاینده هستی، زاینده اشته، نخستین آفریننده جهان‌ها و دناها، آورنده نخستین قوانین هستی و تنها کسی است که به آغاز هستی آگاه است پس کل هستی با ملزومات آن، زمان، مکان، جهان‌ها، دناها و قوانین آنها به اورمزد وابسته و از طریق اوست که هستی دارد.

چنانچه به باورهای فلاسفه و الهیون درباره آفرینش توجه کنیم، آنها یک نقطه معین و مشخص از زمان برای خلقت قائلند و از آن به عنوان یک رویداد زمانی یاد می‌کنند (ایزوتسو، ۱۳۸۳: ۱۳۴-۱۳۵)، پس در می‌یابیم که بین این باور و استفاده از واژه «نخستین» در گاهان به عنوان نقطه مشخص و معین زمانی برای آغاز آفرینش شباهتی دیده می‌شود.

اورمزد همچنین نخستین در زایش هستی است. به نظر می‌رسد برای بیان آفرینش گاهان از واژه «زایش» استفاده کرده است. زایش مفهومی متفاوت از ساختن و پرداختن را می‌رساند زیرا فرزند آوری خود امری است متفاوت. در زایش وجودی از درون خود به بیرون متجلی و متکثر می‌شود. وقتی گاهان از زایش هستی نخستین می‌گوید در حقیقت تجلی هستی نخستین را به عنوان بخشی از وجود خود آفریننده جلوه گر می‌کند به این معنی که همه آنچه توسط اورمزد زاییده شده تجلی اوست و ما را با مفهومی شبیه به «سرچشمه وجود» در باور عرفا مواجه می‌کند (همان: ۱۶۳). عرفا در بیان مفهوم آفرینش از واژه خلقت استفاده نمی‌کنند و به جای آن «تجلی» و یا «ظهور» را به کار می‌برند ۱۴، فرآیند تجلی و ظهور چگونگی انتشار کثرت از مقام وحدت را روشن می‌کند (یزدان‌پناه، ۱۳۹۷: ۳۱۳) در فرآیند ظهور و تجلی، صفاتی که در ذات حق به حالت کمون حضور دارند ظاهر و متجلی می‌شوند (همان: ۲۲۰) پس تمامی آنچه در وجود خارج رخ می‌دهد تجلی وجود حق است (یزدان‌پناه، ۱۳۹۷: ۵۲۲) بدین ترتیب مفهوم عرفانی آفرینش ظهور صفات سرچشمه وجود یا ذات حق است که منجر به تکثر می‌شود. به همین شکل در گاهان نیز «زایش» تمثیلی ۱۵ است برای تجلی یا ظهور حق (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۷۴). به همین دلیل احتمالاً در گاهان دیدگاهی عارفانه به خلقت نخستین وجود داشته که سراینده را مجبور به استفاده از واژه زایش_ ریشه -zā_ به جای واژه آفریدن_ ریشه -dā_ می‌کرده است.

در یسن ۵۱ بند ۱۰ از آفرینش دروج نیز سخن گفته شده است:

huuō dāmōiš drūjō hunuš # tā duždā yōi hānfi (Y. 51/ 10/ b)

او (دشمن زردشت) فرزند اهریمنی آفریننده دروج است، همراه او نابخشندگان برای آنهایی که هستند (Humbach, 1991, I: 188).

اینجا از ریشه hu- به معنی زادن اهریمنی و -dā_ استفاده شده است. همانند اورمزد دروج با تجلیاتی که به فرزندآوری تشبیه شده همراه است اما اهریمن مستقیماً زاینده دروج خوانده نمی‌شود. همانگونه که هومباخ به درستی توضیح می‌دهد هیچ‌گونه فعالیت آفرینشی برای اهریمن در گاهان در نظر گرفته نشده است (Humbach, 2010: 39) و هیچ رابطه‌ای بین او و زایش هستی نخستین وجود ندارد.

۴. بخشنده و بخشندگی در گاهان

بخشندگی نیز مانند آفرینندگی از مباحث مهم گاهان است و برای نشان دادن آن از ریشهٔ *dā-* استفاده می‌شود. دو ریشهٔ هندو اروپایی *daH¹* به معنی «بخشیدن» و *daH²* به معنی «قرار دادن» – که *dā-* به معنی «آفریدن» از این ریشه مشتق شده است – در اوستایی به *dā-* تبدیل شده و باور زبان‌شناسان بر این است که در بیشتر موارد در متن اوستایی به دلیل نزدیکی مفهوم دو ریشه نمی‌توان این دو ریشه را از هم تشخیص داد و تنها در گاهان در بند ۴ یسن ۳۰ می‌توان به درستی تشخیص داد که فعل از *daH²* مشتق شده است (Cheung, 2007: 45) و احتمالاً کلنز به همین دلیل این دو را از هم جدا نکرده و معنی «آفرینش» نیز برای این ریشه قائل نیست (Kellens & Pirart, 1990, II: 256). شروو نیز با در نظر گرفتن ریشهٔ *dā-* در معنی «قرار دادن» به‌نظم درآوردن آفرینش را برجسته‌ترین نقش اورمزد می‌داند و باور دارد که اورمزد همهٔ اجزای آفرینش را در جایگاه درست قرار می‌دهد (Skjærvø, 2006: 13). در این پژوهش به دلیل استفاده از مفهوم «بخشیدن» به عنوان مکملی برای آفرینش بیشتر معنی «بخشیدن» در گاهان مد نظر بوده است.

در گاهان اورمزد به همراه اشه و آرمئیتی بخشنده‌اند. اما تنها اورمزد است که هستی می‌بخشد.

در یسن ۴۶ بند ۱۳ اهورا مزدا هستی بخشنده است:

yō spitāməm # zaraouštrəm rādaṅhā
marətaēšū xšnāuš # huuō nā frasrūidiīai ərəθβō
aṭ hō mazdā # ahūm dadāt ahurō (Y. 46/ 13/ a, b, c)

آن که زرتشت سپیتمان را با رادی

در میان مردم خشنود کند

آن مرد قابل ستایش است پس مزدا اهوره به او هستی می‌بخشد (Humbach, 1991, I, 171).

در این بند تنها سخن از هستی بخشی است اما افزون بر آن اورمزد مزد و پاداش، نیرو، شهریاری، کمال، بی‌مرگی، کامیابی و نیروی اندیشهٔ نیک و آیفیت زندگی خوب نیز می‌بخشد.

در یسن ۲۹ بند ۱۰ اهوره نیرو و شهریاری بخشنده است:

yūžəm aēibiīō ahurā # aogō dātā ašā xšaerəmcā (Y. 29/ 10/ a)

شما ای اهوره از طریق اشه به آنها نیرو نیز خشنود ببخش (Ibid: 122).

در یسن ۳۱ بند ۲۱ مزدا اهوره بخشنده خرداد و امرداد است:

مراتب آفرینش در گاهان (مینا کامبین و دیگران) ۲۱۹

mazdā dadāt ahurō # hauruuatō amərətātascā
būrōiš ā ašaiiācā # x^vāpaiōiāt xšaerahiiā sarō
vañhəuš vazduuarə manañhō # yə hōi mainiiū šiiəoənanāiscā uruuəō (Y. 31/ 21).

مزدا اهوره پناه‌های خرداد و امرداد را می‌بخشد

و [پناه‌های] فراخ برآمده از اشته و خشتره خود را.

و نیروی اندیشه نیک را به آن که با اندیشه و کردارها [یش] در اتصال او است (Ibid: 131).

در یسن ۵۱ بند ۷ اورمزد، سازنده گاو بخشنده آب‌ها و گیاهان و بی‌مرگی و کمال، نیروی

جسمی و جوانی است:

dāidī mōi yə ɣəm tašō # apascā uruuarāscā
amərətātā hauruuātā # spəništā mainiiū mazdā
təuuīšī utaiiūitī # manañhā vohū sōrhē (Y. 51/ 7)

تو که گاو را ساختی^{۱۶}، آب‌ها و گیاهان را، به من ارزانی دار

امرداد و خرداد را از طریق مینوی فزونی‌بخشت ای مزدا

نیرو و جوانی را از طریق اندیشه نیک در سخن [ت] (Humbach, 1991, I: 187).

اما اورمزد در یسن ۴۷ بند نخست همراه با خشتره و آرمئیتی بخشنده خرداد و امرداد است:

ahmāi dən # hauruuātā amərətātā
mazdā xšaorā # ārmaitī ahurō (Y. 47/ 1, c, d)

به او خرداد و امرداد را خواهند داد

اهوره به یاد خواهد آورد با خشتره و آرمئیتی^{۱۷} (Ibid: 174)

اورمزد همچنین در یسن ۵۳ بند ۱ آیفست زندگی خوب و در یسن ۴۳ بند ۲ زندگی دراز

همراه با شادی می‌بخشد:

yā dā ašā # vañhəuš māiīā manañhō
višpā aiiārə # darəgō.jiiātōiš uruuādanhā (Y. 43/ 2, d, e)

برکت‌های اندیشه نیک را که از راه اشته می‌بخشی [ای مزدا] (Ibid: 151).

در یسن ۲۸ بند ۷ اورمزد، اشته و آرمئیتی پاداش می‌بخشد:

dāidī ašā təm ašim # vañhəuš āiiaptā manañhō
dāidī tū ārmaitē # vištāspāi ištəm maibiiācā

ای راستی! آن پاداش را ببخش، آیفست اندیشه نیک را

ای مزدا! ببخش و فرمان ده که با آن مانتره رادی‌های شما را بشنویم (Ibid: 118).

آرمئیتی در یسن ۳۰ بند ۷ جان را و نیز در یسن ۴۳ بند ۱ ثروت و زندگی اندیشه نیک

را می‌بخشد:

aṭ kəhrpəm utaiiūtīš # dadāt ārmaitiš aṇmā (Y. 30/ 7/ b)

پس جوانی، پیکر را و آرمئیتی جان را می‌بخشد (Ibid: 124).

در یسن ۴۳ بند ۱ نیز اورمزد و آرمئیتی بخشنده‌اند:

....mōi dā ārmaitē

rāiiō ašš # vaṇḥəuš gaēm manarḥō (Y. 43/ 1, d, e)

ای آرمئیتی پاداش‌های ثروت و زندگی اندیشه نیک را به من ببخش (Ibid: 151).

در گاهان اورمزد بخشنده پاداش بی‌مرگی، کمال، نیرو، پایداری و زندگی خوب و دراز است. همه آنچه او می‌بخشد از طریق بهمن، اشته، خشتره و آرمئیتی است. اشته نیز بخشنده پاداش و آرمئیتی بخشنده نیرو، جان و تن است. پس بر خلاف ظهور و تجلی آفرینش یا همان «زایش هستی نخستین»، که فقط منحصر به اورمزد است، برخی از شخصیت‌های دیگر گاهانی می‌توانند بخشنده باشند که این بخشنندگی شامل ملزومات رسیدن به زندگی نیک و درست است.

۵. سازنده و سازندگی در گاهان

مبحث سازندگی در گاهان با ریشه -taš، به معنی ساختن و شکل دادن، نشان داده می‌شود. شروو بر اساس همین ریشه اورمزد را سازنده خلقت می‌داند (Skjærvø, 2006: 13). نخستین بار در یسن ۲۹ بند نخست به واژه ساختن از این ریشه بر می‌خوریم:

xšmaibiiā gōuš uruūā gərəždā # kahmāi mā øβarōždūm kō
mā tašaṭ (Y. 29/ 1/ a)

روان گاو نزد شما شکایت کند. از بهر که مرا ساختید؟ چه کسی مرا پرداخت (Humbach, 1991, I, 120)

؟(1991, I, 120)

سپس در بند دوم از همین یسن می‌گوید:

adā tašā gōuš pərəsaṭ # ašəm kaoā tōi gauuōi ratuš (Y. 29/ 2/ a)

سپس سازنده گاو از اشته پرسید که داوری تو برای گاو چگونه است (Ibid: 120)؟

و باز در بند ششم از همین بند به واژه سازنده گاو بر می‌خوریم آنجا که می‌گوید:

aṭ zī øβā fsuiiāntaēcā # vāstriiāicā øβōrəštā tatašā (Y. 29/ 6/ c)

زیرا که تو را سازنده از برای شبان ساخته است (Ibid: 121).

در یسن ۳۱ بند ۹ از سازنده گاو با صفت بسیارخردمند یاد شده است:

مراتب آفرینش در گاهان (مینا کامبین و دیگران) ۲۲۱

əβōi as ārmaitiš # əβā ā gəuš tašā as.xratuš (Y. 31/ 9/ a)

از آن تو بود آرمئیتی، از آن تو بود همچنین سازنده بسیار خردمندِ گاو (Ibid: 128).

کلنز سازنده گاو را پسر اورمزد می‌داند (Kellens-Pirart, 1988, I, 115)

سپس در بند ۱۱ آنگاه که درباره شکل دادن رمه‌ها و دئناها سخن می‌گوید از مزدا

نام می‌برد:

hiiat nō mazdā paouruuīm # gaēōāscā tašō daēnāscā (Y. 31/ 11/ a)

پس آنگاه که ای مزدا از برای ما بنیاد را، رمه‌ها و دئناها را شکل دادی (Humbach, 1991, I,)

(129).

در یسن ۴۴ بند ۷ درباره سازنده آرمئیتی می‌پرسد:

taṭ əβā pərəsā # ərəš mōi vaocā ahurā

kā bərəxδaṃ tāšt # xšaerā maṭ ārmaitīm (Y. 44/ 7/ a,b)

این را از تو می‌پرسم به راستی به من بگو ای اهوره!

چه کسی آرمئیتی ارجمند را همراه با خشتره ساخت (Ibid: 158)؟

در یسن ۴۷ بند ۳ اورمزد با اصطلاح «پدر مقدس این مینو» سازنده گاو معرفی می‌شود:

ahiiā mainiiēuš # tuuōm ahi <p>tā spəntō

yō ahmāi gaṃ # rāniio.skəraētīm hōm tašaṭ (Y. 47/ 3/ a,b)

تو پدر مقدس این مینو هستی

آن که این گاو شادی‌بخش را برای او (=مردم، جهان) ساخت (میرفخرایی، ۱۳۹۶: ۲۷).

بنابر یسن‌های ۳۱/ ۹ و ۲۹/ ۲، ۶ سازنده گاو مینوی فزونی‌بخش است نه اورمزد

(همان: ۳۱).

در یسن ۵۱ بند ۷ اورمزد، آفریننده گاو است:

dāidī mōi yē gaṃ tašō # apascā uruuarāscā

aməratātā hauruuātā # spənīštā mainiiū mazdā

təuuīšī utaiiūitī # manaḡhā vohū sōḡhē (Y. 51/ 7)

تو که گاو را ساختی، آب‌ها و گیاهان را، به من ارزانی دار

امرداد و خرداد را از طریق مینوی فزونی‌بخش ای مزدا!

نیرو و جوانی را از طریق اندیشه نیک در سخن [ت] (Humbach, 1991, I: 187).

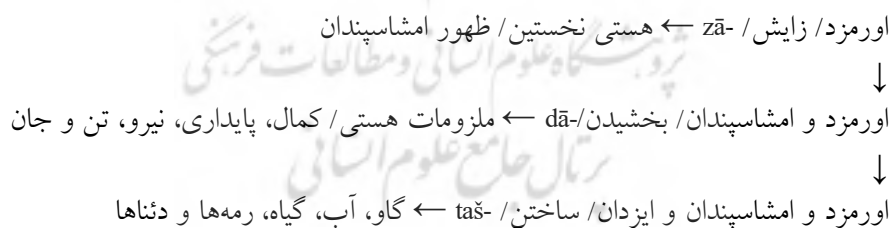
می‌بینیم که در گاهان برای گاو همه جا از واژه ساختن و شکل دادن استفاده شده است.

سازنده گاو هم مینوی فزونی‌بخش و هم اورمزد از طریق مینوی فزونی‌بخش ذکر شده افزون بر

آن رمه‌ها و نیز دثناها هم ساخته و شکل داده شده‌اند. به نظر می‌رسد اینجا با سطح دیگری از آفرینش روبرو می‌شویم که افزون بر اورمزد و امشاسپندان ایزدانی چون گئوش تشن نیز فعالیت دارند.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت می‌توان فرضیه این پژوهش را مورد پذیرش قرار داد چرا که در گاهان با استفاده از سه ریشه *zā-* (زاییدن)، *dā-* (بخشیدن) و *taš-* (ساختن) سه مرحله آفرینش به شکل سه مرتبه متفاوت تشخیص داده می‌شود. ریشه نخست، آفرینش نخستین اورمزد را با واژه «زایش» توصیف کرده و تنها به اورمزد تعلق دارد. بدین معنی که اورمزد تجلیات خود را به شکل «زایش» نمایان و «هستی نخستین» را از درون به بیرون متجلی می‌سازد. تجلی امشاسپندان در این مرحله رخ می‌دهد. زمانی که از رمز «زایش» استفاده می‌شود یک حقیقت وحدانی در نظر گرفته شده که دیدگاهی عارفانه به کل هستی را نشان می‌دهد. ریشه دوم، به معنی بخشیدن، مربوط به مرحله دوم آفرینش است و زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نیروها و ملزوماتی به آفرینش نخستین، به منظور به جریان انداختن حیات، چون کمال، پایداری، نیرو، تن و جان بخشیده می‌شود. در این مرحله از آفرینش امشاسپندان نیز در کنار اورمزد فعالیت دارند. در مرحله سوم از ریشه سوم به معنی ساختن استفاده می‌شود تا نظام کل هستی چون گاو، آب، گیاه، رمه‌ها و دثناها شکل داده شود. در این مرحله نیز امشاسپندان به همکاری با اورمزد مشغول می‌باشند. این فرآیند در نمودار ذیل خلاصه شده است:



مینوی فزونی‌بخش که به عنوان آفریننده معرفی می‌شود در حقیقت عضوی اورمزدی است که آفرینش را تحقق می‌بخشد و نیز سایر باشندگان گاهانی در کنار اورمزد وسیله‌ای برای سامان دهی هستی نخستین اورمزد به شمار می‌روند. به همین سبب ریشه *zā-* فقط برای اورمزد به کار رفته است زیرا زاینده هستی تنها اورمزد است و هر آنچه در مینو و گیتی موجود است تجلی اوست.

مراتب آفرینش در گاهان (مینا کامبین و دیگران) ۲۲۳

باور به آفرینش با کلام در گاهان که برابر با «لوگوس» اسکندرانی است نیز توجیهی عرفانی دارد. بدین معنی که حرکت که عامل تجلی اورمزد و ورود مظاهر او به قوس نزول و رسیدن به تکثر است، با حرکت برای تولید صوت نشان داده می‌شود. اینجا کلام به صورت یکی از ملزومات آفرینش است که زایش هستی نخستین را تحقق می‌بخشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ریشه دیگری که با مفهوم آفرینش در گاهان استفاده شده $\theta\beta\alpha\rho\alpha s$ است به معنی بریدن که فقط در بند ۶ یسن ۲۹ به صورت اسم $\theta\beta\alpha\rho\alpha s t a r$ در حالت فاعلی مفرد مذکر به کار رفته است. از آنجایی که صرف فعلی آن در گاهان نیامده و مفهوم عمل آفریدن را منتقل نمی‌کند در این بخش در نظر گرفته نشد.
۲. در آبان یشت با واژه $hizuu\bar{a}r\bar{e}n\bar{a}$ نشان داده شده که اسم خنثی در حالت بایی و به معنی «حرکت زبان»، از ترکیب $hizuu\bar{a}$ به معنی زبان و $ar\bar{e}n\bar{a}$ به معنی حرکت و جنبش ساخته شده است (مولایی، ۱۳۹۲: ۱۵۶) در گاهان به شکل دیگری مطرح می‌شود که در ادامه شرح آن خواهد آمد.
۳. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: زرن، ۱۳۷۵، صص. ۱۷۹-۲۲۷.
۴. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: کریستن‌سن، ۱۳۷۷، صص. ۱۱-۱۳۱.
۵. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: موله، ۱۳۹۵، صص. ۴۲۹-۴۴۶.

6. See: Boyce, 1975, P. 193-204

7. See: West, 2010, P. 9-17.

8. See : Anthonioz, 2017, P. 33-55.

۹. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: شایگان، داریوش، ۱۳۷۵، صص. ۷۷-۸۲.
۱۰. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: شمس، ۱۳۹۶، صص. ۹۲-۹۷.
۱۱. اینسلاز این قطعه ترجمه دیگری ارائه می‌دهد: مینوی تو و با زبان خود تو، آنچه که به وسیله آن هستی نخستین اینجا خواهد آمد (Inslar, 1975: 27).
۱۲. اینجا باید دقت داشت که آفرینش از طریق کلام مرتبه‌ای جداگانه محسوب نمی‌شود بلکه روشی برای زایش و یکی از ملزومات آن به شمار می‌رود.
۱۳. حرکت نزد عرفا به سه معنی است یکی تجلی وجودی که سیر نزولی است. دوم تقلب آنی جواهر و تجدد ماهیات و سوم سیر کشفی و رفتن از باطل به سوی حق در قوس نزول سیر از مقام وحدت آغاز شده، وجود مطلق در مراتب تعین و در مراحل مختلف کثرت هر لحظه به صورتی تجلی می‌کند تا به نقطه نهایت قوس نزول برسد که سیر انبساطی و تجلی شهودی است (ملک‌شاهی، ۱۳۶۳: ۱۰۱ و ۱۰۲)

۱۴. در عرفان نظری حقیقت واحد ظهورات و کثراتی دارد که به صورت مظاهر و مجالی و شئون او ظاهر می‌شود (یزدان‌پناه، ۱۳۹۷: ۱۶۲).
۱۵. عین‌القضات به دو امر «قلمرو عقل» و «قلمرو ورای عقل» قائل است که به صورت دو منطقه همجوار و اولی دنباله‌رو دومی است (ایزوتسو، ۱۳۸۳: ۱۳۱) او ساختار زبان انسان را مناسب با قلمرو عقل می‌داند و باور دارد هنگام سخن گفتن در قلمرو ورای عقل ناگزیر باید به تشبیه و تمثیل روی‌آورد (همان: ۱۳۳).
۱۶. در ترجمه هومباخ این واژه «آفریدی» معنی شده است (Humbach, 1991, I, 187).
۱۷. عالیخانی قطعه d1 را ترجمه می‌کند: او به وسیله خششوره مزداست (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۵۳).

کتاب‌نامه

- ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۸۳). *آفرینش، وجود و زمان*. ترجمه مهدی سررشته‌داری. تهران: مهراندیش.
- زهر، آر. سی. (۱۳۷۵). *زروان (معمای زرتشتی‌گری)*. ترجمه تیمور قادری. چ ۲. تهران: فکر روز.
- شایگان، داریوش. (۱۳۷۵). *ادیان و مکتبهای فلسفی هند*. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- شمس. (۱۳۹۶). *محمدجواد ادیان هند*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- عالیخانی. بابک. (۱۳۷۹). *بررسی لطایف عرفانی در نصوص عتیق اوستایی*. تهران: هرمس.
- کریستن‌سن، آرتور. (۱۳۷۷). *نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایران*. ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه.
- ملکشاهی، حسن. (۱۳۶۳). *حرکت و استیفای اقسام آن*. چ ۲. تهران: سروش.
- مولایی، چنگیز. (۱۳۹۲). *آبان یشت (سرود اوستایی در ستایش اردوی سورا تا هید)*. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- موله، ماریان. (۱۳۹۵). *آیین، اسطوره و کیهان‌شناسی در ایران باستان*. ترجمه محمد میرزایی. تهران: نگاه معاصر.
- میرفخرایی، مهشید. (۱۳۹۶). *زردشت و گاهان، بررسی دستوری و محتوایی دو فصل ۴۷ و ۴۸ سپتاهمینوگاه (اوستا و زند)*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یزدان‌پناه، سید یدالله. (۱۳۹۷). *مبانی و اصول عرفان نظری*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

Anthoiz S. (2017). "Création et Mazdéisme Confrontation Des Conceptions Achéménide, Gâthique et Biblique". *Transeuphratène*. No. 49.

Boyce, Mary. (1975). *A history of Zoroastrianism*. Vol. I. koln: Brill.

Cheung, Johnny. (2007). *Etymological Dictionary of the Iranian Verb*. Boston: Brill.

مراتب آفرینش در گاهان (مینا کامبین و دیگران) ۲۲۵

- Humbach, Helmut. (1991). *The Gāthās of Zarathushtra and the other old Avestan Texts*. I, II. Heidelberg: Carl Winter. Universitätsverlag.
- Humbach, Helmut. & Klaus Faiss. (2010). *Zarathushtra and His Antagonists, Asciolinguistic study with English and German Translations of His Gathas*. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Insler, s. 1975. *The Gāthās of Zarathushtra*. Acta Iranica 8. Brill: Leiden.
- Kellens, Jean & Pirart, Eric. (1990). a. *Les Textes Vieil Avestiques*. Vol. II. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Kellens, Jean & Pirart, Eric (1990). b. "Cosmogonie Mazdeenne Ancienne: Huttes Cosmiques en Iran ."
" *Les Civilisation Orientales*. Université de Liège. G 28.
- Skjærvø, Prods Oktor. (2006). *An Introduction to Old Avestan*. Downloaded from www.zoroastrism.ru/files/385/oldavestanprimer.pdf. 25 November 2020.
- West, M. L. (2010). *The Hymns of Zoroaster, a New Translation of the Most Ancient Texts of Iran*. London: I.B.Tauris & Co Ltd.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی